

■ کسی که می‌خواهد وارد عرصه انتخابات شود، اول از همه باید خود را محدود و متعهد به اخلاق انتخابات بداند.

لژوما این اخلاق انتخابات منطبق با قانون انتخابات نیست. هر چند که قانون انتخابات باید به شکلی تنظیم شود که از اخلاق مراقبت و کاندیدها را وادار کند که در چارچوب اخلاق انتخاباتی رفتار کنند



رهب‌ معظم انقلاب در سخنرانی خود در حرم حضرت امام خمینی (ره) بر لزوم رعایت اخلاق انتخاباتی تأکید داشتند و فرمودند «در رقابت‌های پیش روی انتخاباتی بین نامزدها، اخلاق حاکم باشد؛ بدگویی کردن، تهمت‌زدن، لجن‌پراکنی کردن، کمکی به پیشرفت کارها نمی‌کند، به آبروی ملی هم لطمه می‌زند. صحنه انتخابات صحنه عزت و حماسه است، صحنه رقابت برای خدمت است، صحنه نزاع برای به دست آوردن قدرت نیست. برادرانی که وارد میدان مبارزه انتخاباتی و رقابت انتخاباتی می‌شوند، این را به عنوان یک وظیفه بدانند.» به همین بهانه و برای صورت‌بندی وضع اخلاق انتخاباتی در رقابت‌های سیاسی، سراغ محسن رادای، عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی رفتیم و با وی به گفت‌وگو نشستیم.

■ **مؤلفه‌های اخلاق انتخاباتی در سپهر سیاسی جمهوری**

اسلامی و مبانی نظری امامین انقلاب چیست؟

اخلاق انتخاباتی در اندیشه امامین انقلاب اسلامی ۲ مؤلفه اساسی دارد؛ مؤلفه اول این است که از لحاظ هدف‌گذاری، همه رفتارها باید با هدف خدمت و جلب رضایت الهی باشد. یعنی اخلاق انتخاباتی حکم می‌کند که هر کس رفتار خود را محک بزند که آیا این رفتار یا گفتار، در جهت جلب رضایت خداوند و خدمت به مردم هست یا نه؟ اگر اینگونه بود قاعدتاً آن عمل، اخلاقی است و اگر معطوف به این هدف نبود، اخلاقی نیست.

مؤلفه دوم بحث کرامت انسانی است. هر رفتاری که می‌خواهد انجام شود یا هر قولی که می‌خواهد بر زبان افراد جاری شود باید با این محک سنجیده شود که آیا باعث مخدوش شدن کرامت افراد یا مردم می‌شود یا خیر؟ کنششی که باعث خدشه‌دار شدن کرامت افراد می‌شود نباید بروز پیدا کند، حتی درباره رقیب انتخاباتی خود، باید برای حفظ کرامت او

بکوشید. مشخص است که طعنه‌زدن‌ها، کنایه‌ها، تمسک‌ها و دروغ‌ها که کرامت شخص مقابل را مخدوش می‌کند، قابل قبول نیست و به نوعی ضداخلاق انتخاباتی است. به شمای می‌رود. بنابراین لازم است همه افراد خود را پایبند به این ۲ مؤلفه بدانند که اولاً هدف از هر اقدام و عمل و گفتاری باید معطوف به جلب رضایت خداوند و خدمت بیشتر به مردم باشد و دوم اینکه در هر حالتی لازم است افراد کرامت طرف مقابل را حفظ کنند و اگر کرامت افراد حفظ نشود، مرتکب بی‌اخلاقی شده‌اند.

■ **مبتنی بر بینش انقلابی، اخلاق انتخاباتی چطور بازتعریف می‌شود؟**

اخلاق انتخاباتی را می‌توان مجموعه اصول و قواعدی تعریف کرد که افراد لازم است در زمان انتخابات، خود را پایبند و محدود به این اصول ببینند. به این معنی که اگر رفتاری انجام می‌دهند که با این اصول در تعارض است، مرتکب عمل غیراخلاقی شده‌اند و اگر در رقابت‌های انتخاباتی به رغم اینکه در حال رقابت و مسابقه با طرف مقابل هستند، همچنان به این اصول پایبند هستند، این رقابت سالم و اخلاقی خواهد بود.

قاعدتا کسی که به اخلاق انتخاباتی پایبند نیست، فقط یک هدف در نظر دارد و آن کسب قدرت است و برای به دست آوردن قدرت حاضر است از هر ابزاری استفاده کند و هر کلامی را بر زبان بیارود و به هر شکلی که می‌تواند رفتار کند. چون در نهایت آنچه اهمیت دارد این است که آیا این عمل و اقدام من می‌تواند باعث نزدیک شدن من به کانون قدرت شود یا نه؟ آیا باعث می‌شود که رقبای من کنار زده شوند تا من به قدرت نزدیک‌تر شوم؟ در این صورت نزدیکی به قدرت برای خیلی از افراد اهمیت می‌یابد و اخلاق انتخاباتی وجود ندارد و افراد خارج از اصول و قواعد اخلاق انتخاباتی مشغول فعالیت می‌شوند. در نتیجه رقابت، ناسالم می‌شود و در آن تهمت و نسبت‌های ناروا و فحاشی و بی‌انصافی و... وجود دارد. چون همه اینها به عنوان ابزار برای تقرب به قدرت در نظر گرفته می‌شود. کسی که می‌خواهد وارد عرصه انتخابات شود، اول از همه باید خود را محدود و متعهد به اخلاق انتخابات بداند. لزوما این اخلاق انتخابات منطبق با قانون انتخابات نیست. هر چند که قانون انتخابات باید به شکلی تنظیم شود که از



عنوان آمیخته با بی‌اخلاقی و دروغ و تهمت و... نیست، بلکه کاملاً متعهد به اخلاق است. از همه اینها نتیجه می‌گیریم سیاست لزوماً آمیخته با بی‌اخلاقی نیست. انتخابات جزئی از سیاست است و کاملاً قابل تصور است که ما انتخاباتی برگزار کنیم و در آن اخلاق را هم رعایت کنیم و همه چیز قربانی قدرت‌طلبی نباشد.

شهید رئیسی بهتر از هر کس دیگری این معنا را در عمل اثبات کردند و نشان دادند می‌توان در انتخابات شرکت کرد اما مرتکب بی‌اخلاقی نشد و دروغ نگفت و تهمت و طعنه و کنایه نزد، در عین حال نقاط قوت خود و نقاط ضعف طرف مقابل را بیان کرد. برخلاف روند‌های جاری در رقابت‌های انتخاباتی ما که از دهه ۸۰ آغاز شد و هر کس که جواب گزنده‌تری می‌داد و بهتری می‌توانست طرف مقابل را مخدوش کند و شخصیت او را فرو بریزد، آدم تواناتری به حساب می‌آمد، شهید رئیسی نشان داد بدون این کارها هم می‌توان در رقابت انتخاباتی شرکت کرد. هر چند گاهی ما می‌بینیم که اینقدر این بی‌اخلاقی‌ها زیاد می‌شود که فرد بی‌اخلاق خود را تنها متعهد به قدرت می‌داند و برای کسب قدرت بیشتر حتی مرزهای اخلاق را طی می‌کند اما متأسفانه در برخی انتخابات‌ها فرد می‌دانسته که در هر صورت در انتخابات پیروز نمی‌شود و کسب قدرت هم خیلی‌بار برای او موضعیت نداشته و می‌دانسته دستش به ریاست‌جمهوری نمی‌رسد اما انگار به دلایل عاطفی و هیجانی یا کینه‌ورزی شروع به کنایه زدن و زخم زبان‌زدن به دیگران می‌کند. به نظر من این پیشاسیاست است و اتفاقی که می‌افتد از سیاست هم خارج می‌شود. فرد برای اینکه کینه شخصی دارد و می‌خواهد زخمی به رقباً بزند، حرف‌هایی بر زبان می‌آورد که از دایره سیاست هم خارج می‌شود. در برخی برهه‌ها، انتخابات حتی از موضوع اخلاق و حتی از موضوع سیاست که بحث قدرت است، خالی می‌شود. جملاتی که رد و بدل می‌شود فقط برای انتقام‌گیری شخصی این افراد است و آنقدر رشد اجتماعی نکرده‌اند که متعهد به بنیان‌های سیاست باشند. لذا باید وقتی وارد عرصه سیاست می‌شوند، آن کینه‌های شخصی خود و آن رنجش‌های فردی و عقده‌های حقارت شخصی خود را کنار بگذارند و یک مقدار بزرگ‌تر فکر و در سطح بالاتری گفت‌وگو و رفتار کنند. این قاعدتاً وضعیت بدی است و ما از اخلاق و حتی سیاست هم دور شده‌ایم. شهید رئیسی جزو استثناهایی بود که هم به سیاست پایبند بود و مسائل را شخصی نمی‌کرد و کاملاً مسائل را عمومی می‌دید و هم اینکه در رقابت سیاسی پایبند به اخلاق بود و اخلاق را نقض نمی‌کرد. می‌توانست جملاتی بگوید که به نفع خودش باشد و حرفی خود را خجل و از میدان بیرون کند اما این کار را انجام نمی‌داد. این می‌تواند الگو برای تمام کسانی باشد که می‌خواهند راه شهید رئیسی را ادامه دهند. می‌بینیم که رهبر معظم انقلاب هم روی این صفت برجسته شهید رئیسی دست می‌گذارند و ایشان را به عنوان فردی با اخلاق معرفی می‌کنند و می‌فرمایند ایشان تهمت‌ها را پاسخ نمی‌داد و وارد این تنش‌ها و جدل‌های بیهوده و آبروبر و آسیب‌رسان به نظام و جمهوری اسلامی نمی‌شد. این حقیقتاً یک الگو برای نسل‌های بعدی سیاستمداران است.

■ **برخی بی‌اخلاقی‌های انتخاباتی در روزهای اخیر باعث شد مردم نسبت به آنها اعلام انزجار کنند، نمونه آن هشتگ «ارتفاع بگیریم» بود، آیا مردم به آن بلوغ سیاسی رسیده‌اند که در برابر بی‌اخلاقی‌ها واکنش داشته و بین مواردی از این دست و اخلاق تراز انقلاب اسلامی، تمییز قائل شوند یا اینکه گمان‌کار برای مردم برنده جدال‌های سیاسی مورد توجه و اهمیت است؟** بی‌اخلاقی‌های که در جامعه و سیاست حاکم شده حاصل فعالیت‌های مضر و مخرب و بی‌اخلاقی برخی سیاستمدارانی است که اتفاقاً خیلی آدم‌های خوشنامی بوده‌اند و خدمت زیادی هم در دوره جمهوری اسلامی داشته‌اند اما به هر حال یک بی‌اخلاقی‌هایی را انجام دادند که بنیان اخلاقی را در جامعه متزلزل کردند. نکته دوم این است که این بی‌اخلاقی یک‌شبه به وجود نیامده که انتظار داشته باشیم، به سرعت از بین برود. حتی اگر حادثه عظیمی مثل شهادت رئیس‌جمهور

گفت‌وگوی «وطن امروز» با محسن رادای درباره اخلاق انتخاباتی و ضرورت پایبندی کاندیدها به مبانی اخلاقی

از بی‌اخلاقی ارتفاع بگیریم



متخلق آیت‌الله رئیسی، مردم را تکان بدهد، این امر به سرعت قابل درمان نیست. واقعیت این است که فضای سیاسی آنقدر آمیخته با بی‌اخلاقی نشده که براحتی درمان نمی‌شود و به نظر چند انتخابات باید بگذرد و نامزدهایی که خود را متعهد به اخلاق می‌دانند، مدام این‌ موضوع اخلاق و اصول اخلاقی را در مناظره‌ها و گفت‌وگوها رعایت کنند و مدام این را تذکر دهند، تا کم‌کم جامعه آموزش ببیند و متوجه شود و بداند این رفتارها اصولاً بی‌اخلاقی است. به رغم رشد عقلانی که مردم دارند در حال حاضر عده زیادی از مردم رقابت و سیاست انتخاباتی را این می‌دانند که چه کسی بتواند جواب دندان‌شکن‌تری به دیگری بدهد و چه کسی در مناظره‌ها حاضر جواب‌تر است. وقتی اینها معیار تعیین برنده در مناظرات انتخاباتی باشد، قاعدتاً خیلی عناصر اخلاقی مورد توجه قرار نمی‌گیرد اما اگر اخلاق‌مدارانی که در جامعه اسلامی فعالیت می‌کنند

و در انتخابات شرکت می‌کنند، موضوع اخلاق را گوشزد کنند و مهارت آن را به مردم یاد بدهند، وضعیت در بلندمدت تفاوت می‌کند حتی اگر در کوتاه‌مدت به بهای باختن آنها در انتخابات تمام نشود. به نظر می‌رسد مردم آنقدر بالغ هستند و آنقدر رشد کرده‌اند که در مدت متوسطی و با گذشت زمان کافی، مهارت اخلاق انتخاباتی را فرا بگیرند و خود به عنوان داورهایی که نسبت به اخلاق حساس هستند، عمل کنند و با مشاهده بی‌اخلاقی نسبت به افراد موضع بگیرند. واکنش مردم باعث می‌شود که کاندیدها به اخلاق پایبند شوند و از این بی‌اخلاقی‌ها دور شوند. این

در آینده‌ای متوسط و نه نزدیک قابل دسترسی است. ■ **اخلاق انتخاباتی چگونه می‌تواند به بهبود وضعیت دموکراسی و به تبع آن بهبود نظام حکمرانی بینجامد، آیا از این مسیر می‌توان توقع بهبود وضعیت را داشت؟** همان‌طور که گفتیم اخلاق انتخاباتی ۲ رکن دارد که یکی خدمت به مردم و جلب رضایت الهی است و دوم حفظ کرامت افراد است. بی‌اخلاقی انتخاباتی هم نقطه مقابل این ۲ است و هدفش کسب قدرت است و هیچ حد و مرزی برای این کسب قدرت قائل نیست. وقتی اخلاق انتخاباتی حاکم شود کاندیدها بر سر اینکه چه کسی بهتر می‌تواند خدمتگزار مردم باشد، رقابت می‌کنند. افراد در فضای غیراخلاقی تلاش می‌کنند فضا را تند، هیجانی و غیراخلاقی کنند و در این‌ فضا حرف‌های رد و بدل می‌شود که هیچ ارزش عملی ندارد و بلکه فقط ارزش آن به‌ه خاطر جواب بودن و زنده‌تر بودن آن است. در فضای غیراخلاقی ملاک بزرگی کاندیدها این است که چه کسی از طریق همین جواب‌های دندان‌شکن و گزنده به لحاظ عاطفی و هیجانی بتواند احساسات مخاطبان را تحت تأثیر قرار دهد و بتواند آنها را جذب و مسحور کند و ذهن آنها را به تسخیر دربیآورد اما در فضای اخلاقی اینطور نیست و چون از این جملات رد و بدل نمی‌شود، فضا هیجانی نیست، بلکه یک فضای کاملاً عقلانی حاکم است. برنامه‌ها و اهداف و اصول با هم مقایسه می‌شود و عملکردها شاهد مثال و شاهد اثبات این اصول و برنامه‌ها قرار می‌گیرد و مردم برنامه‌ها را می‌بینند و بر اساس عقلانیت قضاوت می‌کنند که کدام برنامه مناسب‌تر است و آنها را بهتر به هدف‌شان می‌رساند. در این میان کاندیدایی مورد توجه قرار می‌گیرد که برنامه قابل دفاع‌تر و نوآورانه‌تری داشته باشد. در این صورت حکمرانی‌ای که اتفاق می‌افتد، حکمرانی بهتری است و باعث بهبود نظام حکمرانی و وضعیت مردم‌سالاری می‌شود، چون آدم با کیفیت‌تر، آدم متخلقی‌تر و آدم برنامه‌دارتری انتخاب می‌شود. در حالی که در فضای بی‌اخلاقی آدم هتاک‌تر و آدم بدزبان‌تر، فارغ از اینکه چه برنامه‌ای دارد، مورد توجه قرار می‌گیرد و در مسند کار قرار می‌گیرد. آدم ناتوان در عمل و بدون برنامه که فقط از طریق روش‌های پوپولیستی و بیان برخی

چهارشنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۲
وطن امروز | شماره ۴۰۵۴

گفت‌وگو



تک‌جمله‌های خاص و جلب توجه مردم و معرکه‌گیری توانسته رای بیاورد، کیفیت لازم را ندارد که بتواند حکمرانی مناسبی در کشور پیاده کند، در نتیجه کیفیت و استاندارد حکمرانی و مردم‌سالاری کاهش می‌یابد. قابل انتظار است که خروجی‌های دولت و مجلسی که در فضای بی‌اخلاقی به وجود آمده باشد، هرگز رشد و بهبود و ارتقای وضع مردم نیست؛ بلکه همان زبان‌بازی‌ها و حرف‌های گزنده و تنش‌های جامعه برای فراموش کردن واقعیت‌ها برجسته می‌شود. چون فرد اولاً اخلاق ندارد و ثانیاً برنامه قوی و موثری ندارد و در غیاب این ۲ موضوع، برای اینکه همچنان بتواند نظر مردم را جلب کند با گلاویز شدن با دیگران و با ایجاد تنش در سطح جامعه تلاش می‌کند خود را در صدر اخبار حفظ کند و خود را قوی و موثر نشان دهد.

■ **برجسته بودن بحث اخلاق انتخاباتی را چقدر در اقع‌سازی مردم و به طور کلی افزایش مشارکت مردم**

مورد می‌دانید؟ آیا از حیث اثرگذار است؟

از این حیث باید واقع‌بین باشیم و بدانیم آنچه بیش از همه می‌تواند در جامعه ایجاد حرکت کند چیست. در فضایی که حزب نداریم و گروه تشکیلاتی نداریم و یکسری افرادی هستند که ملاک آنها برای رای دادن دیدن رفتار اشخاص در زمان مناظرات و تبلیغات انتخاباتی است، امیدیم هم به بهبود نداریم. وقتی این واقعیت جامعه ما است، اتفاقاً هرچه بی‌اخلاقی بیشتر باشد تنور انتخابات داغ‌تر می‌شود و مشارکت بیشتر می‌شود. یکی از دلایلی که انتخابات ۱۴۰۰ خیلی پررونق نبود این بود که حداقل از سوی کاندیداهای اصلی این دوره، بی‌اخلاقی انجام نمی‌شود و این برای خیلی از افراد جذابیت ایجاد نمی‌کند. مردم خیلی وقت‌ها زمانی در انتخابات شرکت می‌کنند که جو احساسی بالا گرفته باشد و تنش‌های جدی بین کاندیدها به وجود آمده باشد. مانند اتفاقی که در سال ۸۸ رخ داد و هر ۲ طرف به تعبیر رهبر انقلاب اسلامی دچار اشتباهاتی شدند. آن عقلانیت کرد و می‌بینیم که حدنصاب مشارکت در آن انتخابات خیلی بالا می‌رود و رکورد تازه‌ای را بر جا می‌گذارد. هر چه فضا احساساتی‌تر باشد و برانگیختن احساسات هم از طریق رفتارها و گفتارهایی باشد که خیلی اوقات با عقلانیت و اخلاق عجین نیست، در این فضا است که مشارکت زائیده می‌شود اما در فضای اخلاقی مشارکت محدود و مشارکت متوسطی را شاهد هستیم.

مردم ما آگاه و فهیم هستند و فقط لازم است مهارت انتخابات را هم به مردم آموزش دهیم. مردم ما اخلاق دارند اما در فضای سیاست این موضوع جا افتاده که بی‌اخلاقی و احساسات است که افراد قضاوت می‌شوند و خیلی از مردمی که در حوزه خصوصی و شخصی خود آدم‌های اخلاقی‌ای هستند، از زد و خورد و بی‌اخلاقی و طعنه و... لذت می‌برند و تلاش می‌کنند به این شیعات و تهمت‌ها دامن بزنند. لذا از این طریق احساسات برانگیخته می‌شود و عده بیشتری در انتخابات شرکت می‌کنند. این

به معنی بی‌اخلاق بودن مردم ایران نیست. این به معنی لزوم آموزش مهارت انتخابات به مردم است.

این باید هم‌زمان به کاندیدها و مردم آموزش داده شود که باخلاق‌تر فردی را انتخاب کنید که باخلاق‌تر باشد، نه اینکه زبان تندتری داشته باشد. باید برنامه‌ها ملاک عمل قرار بگیرد، نه وعده‌ها و نه حاضر جوابی افکار. وقتی مردم این مهارت را به دست بیآورند و متوجه شوند به چه ترتیبی می‌توانند در انتخابات شرکت کنند و به چه ترتیبی می‌توانند کاندیدای برتر و شایسته‌تر را انتخاب کنند و از آن طرف کاندیدها هم

بدانند برای اینکه بتوانند نظر مردم را جلب کنند باید برنامه دقیق‌تر و کامل‌تری در اختیار مردم قرار دهند که ملاک قضاوت مردم قرار بگیرد، طبیعتاً مشارکت هم بالا می‌رود. این مستلزم تغییر برخی رفتارهاست. باز هم عرض می‌کنم این امر در آینده نزدیک رخ نمی‌دهد و در آینده متوسط و بلندمدت رخ می‌دهد. اگر این مهارت‌ها به مردم آموزش داده شود و از آن طرف قواعد و رویه‌هایی برود کاندیدها برقرار شود که برنامه‌های آنها در اختیار مردم قرار بگیرد و بدون برنامه و غیرمستدل صحبت نکنند، در این صورت مردم اشتیاق به مشارکت دارند، بدون اینکه لازم باشد احساسات آنها برانگیخته شود. در این ۲۴ ایام که مشارکت زیادی رقم خورده، اصلاً مشارکت بر مبنای برنامه نبوده و بر مبنای احساسات بوده است. طرفین ماجرا، مردم را دعوت به مشارکت می‌کردند تا طرف مقابل رای بیاورد و می‌گفتند اگر طرف مقابل رای بیآورد مثلاً جنگ می‌شود! این فضای احساسی باعث می‌شد مردم حضور پیدا کنند و الا برنامه مشخص و مدون‌سی از کاندیدها دریافت نمی‌کردند. جریان‌های سیاسی با این حرف‌ها و با این تحریک احساسات، طرفداران خود را به میدان می‌کشیدند و از این طریق حدنصاب مشارکت بالا می‌رفت. ما باید در آرزوی روزی باشیم که به جای این تحریک احساسات و به جای اینکه مردم را مثلاً از جنگ پتراسایم یا طمع آدم‌ها را برانگیزانیم، مردم را با برنامه‌های واقعی مواجه کنیم و مردم مهارت کافی پیدا کرده باشند که بر اساس این برنامه‌ها قضاوت کنند و مردم باید بتوانند این برنامه‌ها را بخوانند و بفهمند و برای این کار از علما و اساتید دانشگاه کمک بگیرند و متوجه شوند کدام برنامه عملیاتی‌تر و کامل‌تر است و می‌تواند کشور را رشد دهد. در این صورت است که ما می‌توانیم شاهد باشیم که هم اخلاق بر فضای انتخاباتی حاکم است و مردم کاملاً به طور عقلانی و منطقی در انتخابات شرکت می‌کنند. برای رسیدن به چنین روزی باید تلاش کرد و آموزش داد. بویژه بار عمده این موضوع بر عهده روشنفکران و اساتید است که تلاش کنند جامعه را به این سمت حرکت دهند، اگر نه مردم و کاندیدها شاید خیلی ملتفت موضوع نباشند اما اساتید و علما ملتفت هستند و می‌دانند عقلانی‌تر شدن و اخلاقی‌تر شدن جامعه و فضای انتخاباتی به نفع کشور است.